www.edcbmj.ir e-ISSN: 2345-5284

Education Strategies in Medical Sciences (ESMS)

Journal homepage: www.edcbmj.ir/en e-ISSN: 2345-5284

Baqiyatallah University of Medical Sciences

Pathology of religious education in Student cultural and educational centers

Seyed Mohammadreza Hoseini nejad mahani [1]

Department of Educational Sciences, Payame Noor University of Tehran

**Corresponding author: Seyed Mohammadreza Hoseini nejad mahani, Department of Educational Sciences, Payame Noor University of Tehran, Tehran, Iran*
Email z. seyed.31388@gmail.com

Article Info

Keywords: *: Education, Religious education, pathology, Student cultural and educational centers*

Abstract

Introduction: As important as planning is for religious education, it is important to know the issues and its pathology. Possible harms in religious education will frustrate the efforts of educators; Therefore, recognizing the negative aspects of education is no less important than recognizing its positive aspects; Therefore, the present study was conducted with the aim of examining the current situation of religious education and its pathology in Salman Farsi Nokhbeghan Center as one of the most successful cultural and educational centers for students in the country.

Method: In this study, the students and educators of Center with a descriptive-survey method and a questionnaire with 81% validity and 81.2% reliability from three perspectives: "Educational methods" and " "Educational Content" and "Teacher-Teacher Relationship" are examined.

Results: The results of descriptive statistics show that the coach's relationship with the coach has been affected by injuries such as pessimism towards the coach, creating a spirit of self-aggrandizement and creating mistrust and hatred towards the coach. Educational methods have also been associated with stubbornness, hostility, loss of prestige, and hypocrisy in the educator. Also, educational content has been confronted with a negative attitude and pessimism towards religious content, learning to be biased in judging, creating instability in religious beliefs.

Conclusion: According to the identified harms, training-oriented collections should take action to correct the educational content, the relationship between the trainer and the trainer and their training methods.

Copyright © 2022, Education Strategies in Medical Sciences (ESMS). This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License (http://creativecommons.org/licenses/by-nc/4.0/) which permits copy and redistribute the material just in noncommercial usages, provided the original work is properly cited.

مجله راهبردهای آموزش در علوم پزشکی
دوره ۱۵، شماره ۵، ۱۴۰۱
صفحات: ۴۷۱-۴۸۱

آسیب‌شناسی تربیت دینی در کانون‌های فرهنگی تربیتی دانش‌آموزی

سیدمحمدرضا حسینی نژاد ماهانی [۱]
[۱] گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور تهران

*نویسنده مسوول: سیدمحمدرضا حسینی نژاد ماهانی ، گروه علوم تربیتی، دانشگاه پیام نور تهران
ایمیل: seyed.31388@gmail.com

چکیده

مقدمه: به همان اندازه که برنامه‌ریزی برای تربیت دینی مهم است شناخت مسائل و آسیب‌شناسی آن نیز از اهمیت برخوردار است. آسیب‌های احتمالی در تربیت دینی، کوشش‌های مربیان را بی‌حاصل خواهد نمود؛ بنابراین شناخت جنبه‌های منفی تربیتی، کم‌اهمیت‌تر از شناخت جنبه‌های مثبت آن نیست؛ از این‌رو تحقیق حاضر با هدف بررسی وضعیت موجود تربیت دینی و آسیب شناسی آن در کانون نخبگان سلمان فارسی به عنوان یکی از موفق‌ترین کانون‌های فرهنگی تربیتی دانش‌آموزی کشور انجام شده است.

روش‌ها: در این تحقیق مربیان و متربیان کانون به‌صورت تمام شماری با روش توصیفی– پیمایشی و ابزار پرسشنامه با روایی ۸۱٪ و پایایی ۸۱٪/۲ از سه منظر «روش‌های تربیتی» و «محتوای آموزشی» و «رابطه مربی با متربی»مورد بررسی قرارگرفته‌اند.

نتایج: نتایج آمار توصیفی نشان می‌دهد که رابطه مربی با متربی با آسیب‌هایی از قبیل بدبینی نسبت به مربی، ایجاد روحیه خودبزرگ‌بینی و ایجاد بی‌میلی و نفرت نسبت مربی روبرو شده است. روش‌های تربیتی نیز با بروز لجاجت، دشمنی، از بین رفتن آبرو و ایجاد نفاق و دورویی در متربی همراه بوده است. همچنین محتوای آموزشی نیز با نگرش منفی و بدبینی نسبت به محتوای دینی، یادگیری سوگیری در موضع قضاوت، ایجاد تزلزل در باورهای دینی مواجه شده است.

نتیجه‌گیری: با توجه به آسیب‌های شناسایی شده، کانون‌های فرهنگی تربیتی دانش‌آموزی باید نسبت به اصلاح محتوای آموزشی، روابط بین مربی و متربی و روش‌های تربیتی خود اقدام نمایند.

واژگان کلیدی: تربیت، تربیت دینی، آسیب‌شناسی، کانون‌های فرهنگی تربیتی دانش‌آموزی

مقدمه

یگانه رسالت پیامبران الهی که برگزیدگان خداوند از میان انسان‌ها و فرستادگان او به‌سوی ایشان هستند همانا «تربیت بشر» بوده است. همه تلاش‌ها و مجاهدت‌های ایشان در راستای این هدف بزرگ شکل‌گرفته و زندگی خود را به‌پای این مقصود فداکرده‌اند. تربیت از مباحثی است که هر متفکری با زاویه دید خاص خود به آن نگریسته و تعریفی از آن ارائه نموده است. به‌عنوان‌مثال کسی که به جنبه‌های فردی تربیت نظر دارد، آن را کوششی در جهت غنی کردن تجارب فردی انسان و شکوفایی استعدادها و رغبت‌های او معرفی می‌کند و آن دیگری که به جنبه‌های اجتماعی تربیت توجه دارد آن را وسیله‌ای برای اجتماعی ساختن انسان می‌داند [۱]. تربیت مجموعه اعمال یا تأثیرات عمدی و هدف‌دار یک انسان (مربی) به‌منظور اثرگذاری بر شناخت‌ها، اعتقادات، احساسات، عواطف و رفتارهای انسان‌های دیگر (متربیان) براساس‌برنامه‌ای سنجیده است [۲]. یکی از ابعاد تربیتی که همواره موردتوجه نظام‌های مختلف تربیتی و آموزشی ازجمله نظام تعلیم و تربیت اسلامی بوده است توجه به بعد دینی متربیان است.تربیت دینی فرآیندی است که از طریق اعطای بینش،التزام قلبی وعملی به فرد هماهنگ با فطرت و به‌دورازجبروفشار،به‌منظورنیل به سعادت دنیوی و اخروی انجام می‌گیرد[۳]. از سویی تربیت دینی در اجرا به دو شکل رسمی و غیررسمی دیده می‌شود. منظور از تربیت رسمی این است که تربیت دینی با برنامه‌ریزی مدون و از پیش تعیین‌شده به‌وسیله افراد خاصی در نهادهای آموزشی انجام شود (مانند مدارس زیرمجموعه آموزش‌وپرورش) و منظور از تربیت دینی غیررسمی تربیتی است که در قالب دو نهاد خانه و جامعه بدون طرح و برنامه پیشین انجام می‌گیرد. «کانون‌های فرهنگی تربیتی دانش‌آموزی » براساس تعریف اساسنامه ابلاغی شورای عالی آموزش و پرورش کشور به مراکزی اطلاق می‌شود که برای اجرای برنامه ها و فعالیت های فرهنگی، ادبی، هنری، ورزشی، اجتماعی، علمی و مهارتی در جهت رشد و شکوفایی استعدادهای نوجوانان دانش آموز به ویژه دوره های راهنمایی تحصیلی ومتوسطه در سراسر کشور تشکیل می گردد. مجموعه‌هایی که برنامه‌های خاصی را در جهت تربیت دینی دانش آموزان به‌طور منسجم و هدف‌دار اجرا می‌نمایند. این کانون‌ها را می‌توان ترکیبی از تربیت رسمی و غیررسمی دانست که به شکل‌های مختلف فعالیت می‌نمایند. تربیت دینی، تربیتی براساس مفاهیم و معیارهاست. هرگاه این مفاهیم مورد بدفهمی قرار گیرند و یا حیطه آن‌ها بیشتر یا کمتر ازآنچه هست، ارزیابی شود و یا در مواجهه با مسائل نوظهور عصر و دوران به‌صورت نابجا مورداستفاده قرار گیرد آسیب‌هایی در تربیت دینی آشکار خواهد شد[۴]. آسیب‌های تربیت دینی می‌تواند عوامل ومنشاءهای گوناگون داشته باشد. زمانی که به آثار صاحب‌نظران و پژوهشگران عرصه تربیت دینی مراجعه می‌کنیم، یکی از مشترکات اصلی عوامل مؤثر در امر تربیت را وجود «رابطه سالم و سازنده بین مربی و متربی» می‌یابیم.باقری [۵] ضمن بیان این‌که «ارتباط بین مربی و متربی» جزء ملزومات فعالیت تربیت دینی به شمار می‌رود، اظهار می‌کند که یکی از محورهای مهم و آسیب‌زا در حوزه تربیت دینی همین نحوه ارتباط بین مربی و متربی است. همچنین پور ارشد[۶] در پژوهشی با عنوان « مبانی نظری آسیب‌شناسی تربیت دینی با تأکید بر آرا و اندیشه‌های متفکران و صاحب‌نظران» وجود «رابطه» را در امر تربیت دینی متربیان لازم دانسته و به آسیب‌های ناشی از ارتباط ناسالم بین مربی و متربی پرداخته است.یکی دیگر از عناصر تربیتی که همواره موردتوجه صاحب‌نظران[و البته آسیب‌شناسان] عرصه تربیت دینی بوده و از آن به‌عنوان یکی از ارکان اساسی تعلیم و تربیت یاد می‌شود وجود محتوای تربیتی سرشار و سازنده است چنانچه اگر در یک نظام تعلیم و تربیترابطه‌ای هرچند دوسویه بین مربی و متربی شکل بگیرد اما اگر از محتوای تعالی‌بخش برخوردار نباشد این رابطه الزاماً آثار تربیتی سازنده‌ای را به دنبال نخواهد داشت. ادهم[۷] در کتاب «تربیت دینی در جامعه اسلامی معاصر» سه عنصر برای تربیت دینی مؤثر بیان می‌کند: یک عنصر معلم، یک عنصر کتاب درسی و یک عنصر روش تدریس؛ وی بهره‌گیری معلم از روش‌های

تربیتی اثربخش را به‌عنوان سومین عامل توفیق نظام تعلیم و تربیت در کنار محتوای آموزشی و ارتباط متقابل معلم و دانش‌آموز، تلقی می‌کند. مطالعات آسیب شناسانه از بروز آسیب‌هایی در عرصه تربیت دینی حکایت دارد که تحقق اهداف عالی تربیتی را با چالش مواجه نموده است چنانکه راهیابی از این چالش ها و موانع، مستلزم بررسی دقیق عوامل و ریشه‌های آن است؛ از این‌رو پژوهش حاضر به طور ویژه درصدد پاسخگویی به این سؤال است که تربیت دینی در کانون‌های فرهنگی تربیتی دانش‌آموزی با چه آسیب‌هایی همراه است؟ و سؤالات جزئی پژوهش شامل ۱. وضعیت موجود رابطه مربی و متربی در کانون نخبگان سلمان فارسی با چه آسیب‌هایی روبروست؟ ۲. وضعیت موجود روش‌های تربیتی در کانون نخبگان سلمان فارسی با چه آسیب‌هایی روبروست؟ ۳. وضعیت موجود محتوای آموزشی در کانون نخبگان سلمان فارسی با چه آسیب‌هایی روبروست؟ بنابراین باتوجه به سؤال اصلی پژوهش هدف اصلی این تحقیق شناسایی آسیب‌های تربیت دینی در کانون‌های فرهنگی تربیتی دانش‌آموزی است تا از رهگذر آن، در راستای تحول نظام تربیتی مدارس و اصلاح محتوا، روش‌ها و ارتباطات موجود، در بهبود اثربخشی نظام آموزش‌وپرورش گام‌های مؤثری برداشته شود.

روش ها

روش تحقیق در این پژوهش، توصیفی و از نوع پیمایشی است که با توجه به تمرکز آن بر مطالعه عمیق نمونه‌ی معینی از کانون‌های فرهنگی تربیتی، می‌توان آن را در طیف مطالعات موردی (Case study) قلمداد نمود؛ صرف‌نظر از نام‌گذاری‌های کلی، در مورد روش‌هایی که در اجرای این تحقیق مورداستفاده قرارگرفته است، باید گفت این طرح طی سه‌گام یا مرحله اساسی زیر انجام‌شده است: ۱-مطالعه علمی مربوط (نظریه‌ها و سوابق پژوهشی) در پایگاه‌های اطلاعاتی و کتاب‌های منتشرشده از محققین حوزه تربیت دینی به‌منظور شناسایی ادبیات موضوع و شناخت عوامل مؤثر بر تربیت دینی و روش‌های آسیب‌زا و همچنین آسیب‌های پیش رو در این زمینه ۲-تجزیه‌وتحلیل نتایج بررسی ادبیات تحقیق و تلفیق عوامل مؤثر و آسیب‌های احتمالی شناسایی‌شده به‌منظور بررسی وضعیت موجود تربیت دینی و آسیب‌های موجود در «مورد» (case)موردمطالعه(کانون نخبگان سلمان فارسی) ۳-عرضه چهارچوب پیشنهادی و پرسشنامه‌های محقق ساخته به مربیان و متربیان در «مورد» (case)موردمطالعه (کانون نخبگان سلمان فارسی)

بنابراین در اجرای این تحقیق و متناسب با هریک از مراحل فوق از روش‌های پژوهشی زیر استفاده شده است:

روش مطالعه کتابخانه‌ای: در اجرای مرحله اول تحقیق از روش مطالعه کتابخانه‌ای و جمع‌آوری و بررسی اسناد و مدارک مربوط به مبانی و سوابق پژوهشی طرح استفاده شده است. در این مرحله، ادبیات موضوع با مراجعه به پایگاه‌های اطلاعاتی داخلی و کتب منتشر شده مربوط، شناسایی، و عوامل مؤثر بر تربیت دینی و آسیب‌های احتمالی پیش‌روی این حوزه استخراج گردیده است. **روش پیمایشی:** در اجرای مرحله دوم تحقیق، به منظور بررسی وضع موجود تربیت دینی از سه منظر«روش‌های تربیتی»، «رابطه مربی با متربی» و «محتوای آموزشی»از دو پرسشنامه‌ی محقق ساخته استفاده شده است.در فرآیند تألیف پرسشنامه‌ها و به‌منظور بررسی روایی صوری آن‌ها، پس از استخراج عوامل مؤثر بر تربیت دینی و روش‌های آسیب‌زا در کانون‌های فرهنگی تربیتی دانش‌آموزی و تبیین برخی آسیب‌های احتمالی در قالب فعالیت‌های تربیت دینی بر اساس آیات و روایات، پیش‌نویس اولیه پرسشنامه‌ها تهیه و جهت ارزیابی تخصصی در اختیار ۱۰ نفر از متخصصین حوزه تربیت دینی (دانشگاهی و حوزوی) قرار گرفت و ضمن اخذ نظرات تکمیلی و یا اصلاحی ایشان، فرم نهایی آن با مجموع روایی ۸۱٪ تهیه شد. همچنین به‌منظور تعیین ضریب پایایی پرسشنامه‌ها بر اساس نتایج حاصل از اجرای آزمایشی که در ۲۰ درصد جامعه آماری انجام شد، پس از تجزیه‌وتحلیل‌داده‌هاپرسشنامه‌ها، ضریب پایایی (آلفای کرونباخ) آنبرابر با ۸۱/۲ ٪ حاصل شد. جدول شماره (۱) بیانگر ارتباط هریک از گویه های دو پرسشنامه با هرکدام از سه منظر مزبور می‌باشد.

جدول شماره (۱): تقسیم‌بندی گویه های دو پرسشنامه با توجه به ارتباط مقولات ۸ گانه با سه حوزه مورد بررسی

حوزه مورد بررسی	مقولات ۸ گانه / گویه های پرسشنامه		
روش های تربیتی	تنبیه	جدل و مراء	سرزنش
	گویه ۶ تا ۱۰ پرسشنامه مربیان	گویه ۱۹ تا ۲۵ پرسشنامه مربیان	گویه ۱۵ تا ۱۸ پرسشنامه مربیان
محتوای آموزشی	رسمی بودن محتوای آموزشی	نظام ارزشیابی ناعادلانه	تفکر منفی نسبت به محتوای آموزشی
	گویه ۱ تا۵ پرسشنامه متربیان	گویه ۶ تا۱۱ پرسشنامه متربیان	گویه ۱۲ تا ۱۶ پرسشنامه متربیان
رابطه مربی با متربی	تبعیض در رفتار مربی	نا هماهنگی در رفتار و گفتار مربی	
	گویه ۱تا ۵ پرسشنامه مربیان	گویه ۱۱ تا ۱۴ پرسشنامه مربیان	

همچنین به‌منظور تعیین فراوانی ویژگی‌های دموگرافیک و فراوانی‌های پاسخ‌های داده‌شده به هریک از گویه‌ها از آمار توصیفی استفاده‌شده است. برای تحلیل داده‌های به‌دست‌آمده از پاسخ‌های مربیان و متربیان با استفاده از نرم‌افزارSPSS، با در نظر گرفتن درصد فراوانی پاسخ‌های مربیان و متربیان به هر سؤال و همچنین مثبت یا منفی بودن آن گویه، به طیف‌بندی پاسخ‌ها تحت مقیاس‌های «آسیب جدی»، «آسیب»، «آسیب‌زا» و «بدون آسیب» پرداخته‌شده است (جدول شماره۲) که در ادامه به بررسی نتایج به‌دست‌آمده پرداخته‌شده است.

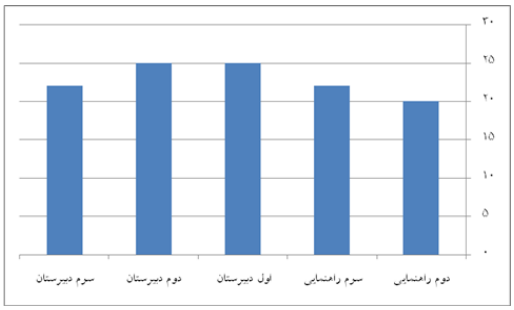
جدول (۲): طیف بندی پاسخ‌ها براساس میزان آسیب‌زایی

طیف پاسخ ها	برای گویه های مثبت			برای گویه های منفی		
آسیب جدی	کاملاً مخالفم			کاملاً موافقم		
آسیب	بسیار مخالفم	مخالفم	درحد متوسط	بسیار موافقم	موافقم	درحد متوسط
آسیب زا	موافقم			مخالفم		
بدون آسیب	بسیار موافقم	کاملاً موافقم		بسیار مخالفم	کاملاً مخالفم	

یافته‌های پژوهش

بخشی از ویژگی‌های مربیان و دانش آموزان کانون با ارائه آمار توصیفی در قالب جدول و نمودار ارائه‌شده است:

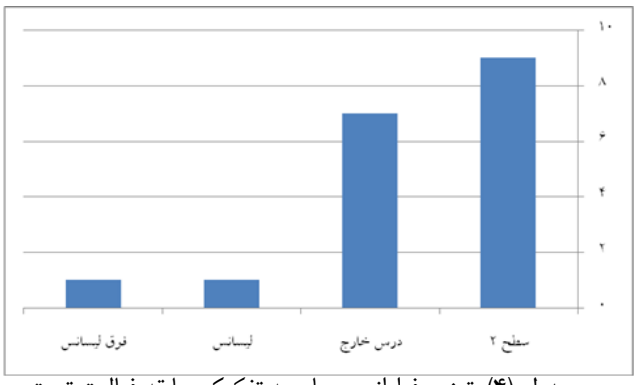
نمودار(۱): توزیع فراوانی متربیان به تفکیک پایه تحصیلی



جدول (۳): توزیع فراوانی متربیان به تفکیک سابقه حضور در کانون

ردیف	سابقه حضور در مجموعه	تعداد	درصد
۱	۱ سال	۲۰	٪ ۱۸
۲	۲ سال	۲۲	٪ ۱۹
۳	۳ سال	۲۵	٪ ۲۲
۴	۴ سال	۲۵	٪ ۲۲
۵	۵ سال	۲۲	٪ ۱۹
	جمع	۱۱۴	٪ ۱۰۰

نمودار (۲): توزیع فراوانی مربیان به تفکیک مقطع تحصیلی



جدول (۴): توزیع فراوانی مربیان به تفکیک سابقه فعالیت تربیتی

ردیف	سابقه فعالیت تربیتی	تعداد	درصد فراوانی
۱	۱ تا ۵ سال	۷	٪ ۴۳/۷۵
۲	۶ تا ۱۰ سال	۵	٪ ۳۱/۲۵
۳	۱۱ تا ۱۵ سال	۲	٪ ۱۲/۵
۴	بالاتر از ۱۵ سال	۲	٪ ۱۲/۵
۵	بدون سابقه	۰	٪ ۰
۶	جمع کل	۱۶	٪ ۱۰۰

سؤال اول:وضعیت موجود رابطه مربی- متربی در تربیت دینی در کانون نخبگان سلمان فارسی با چه آسیب‌هایی روبه‌روست؟

توصیف آماری داده‌های حاصل از وضعیت سنجی «رابطه مربی- متربی» نشان می‌دهد که بین نظرات مربیان کانون، تفاوت وجود دارد(جدول ۵). اگر ویژگی تراکمی بودن مقیاس گاتمن را در طیف‌بندی آسیب‌ها در نظر بگیرم،۷۲/۵ ٪ مربیان مقوله «تبعیض در رفتار مربی» و ۷۴ ٪ مربیان مقوله «دوگانگی در رفتار و گفتار مربی»را با آسیب همراه دانسته‌اند.

جدول (۵): وضعیت «رابطه مربی- متربی» در کانون نخبگان سلمان فارسی

طیف پاسخ‌ها	مقوله «تبعیض در رفتار مربی»		مقوله «دوگانگی در رفتار و گفتار مربی»	
	تعداد پاسخ‌ها	درصد	تعداد پاسخ‌ها	درصد
آسیب جدی	۱۱	٪ ۱۳/۷۵	۲	٪ ۳
آسیب	۳۲	٪ ۴۰	۳۱	٪ ۵۰
آسیب‌زا	۱۵	٪ ۱۸/۷۵	۱۳	٪ ۲۱
بدون آسیب	۲۲	٪ ۲۷/۵	۱۶	٪ ۲۶

اذعان مربیان به وجود رابطه تبعیض‌آمیزبا متربیانمی‌تواند با پیامدهای آسیب‌زای زیادی همراه باشد که نه‌تنها در امر تربیت دینی مؤثر نخواهد بود بلکه تأثیرات منفی زیادی در پی خواهد داشت. ازجمله آسیب‌های ناشی ازاین‌گونه رفتار مربیان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: یکی از آسیب‌هایی که در اثر رفتار ناهم‌سطح و تبعیض‌آمیز مربی با متربیان، می‌تواند بروز پیدا کند، آزارهایی است که ممکن است از جانب دیگران به فرد محبوب‌تر و برتر به او برسد. زمانی که فردی در یک جمع به‌صورت مکرر مورداحترام و تکریم قرار گیرد و سایرین که ناظر این رفتار تبعیض‌آمیز هستند و خود را نیز مستحق آن تکریم می‌دانند، یا آشکارا تحقیر می‌شوند یا دست‌کم، توهم تحقیر در آن‌ها شکل می‌گیرد و این امر باعث می‌شود تا نسبت به فرد تکریم شده، حسادت ورزیده و کینه‌ی وی را به دل بگیرند و در پی فرصتی باشند تا عزت و کرامتی را که به وی داده‌شده است، از او سلب کنند. شاهد این موضوع، داستان حضرت یوسف (علیه‌السلام) و برادرانش است که در قرآن کریم به آن اشاره‌شده است.

یکی دیگر از پیامدهای این‌گونه رفتار، متوجه خود مربیان می‌گردد؛ زیرا متربی که به او بی‌توجهی و بی‌مهری شده است، نسبت به مربی خود بدبین شده و کینه وی را در دل می‌گیرد و چه‌بسا به اعمال زشتی در جهت آزار و اذیت مربی و انتقام گرفتن از او دست بزند. از سایر آسیب‌های ناشی ازاین‌گونه رفتار می‌توان به الگوبرداری منفی توسط متربیان از رفتار مربی اشاره کرد. به این معنی که متربیان، تبعیض و بی‌عدالتی در رفتار را از مربی فراگرفته و در آینده نسبت به دیگران اعمال می‌نمایند. همچنین احساس حقارت و ایجاد دشمنی نیز ازجمله آسیب‌هایی است که از رفتار ترجیحانه و تبعیضانه مربی حاصل می‌شود. و اما از آسیب‌ها و اثرات تخریبی دوگانگی در رفتار و گفتار مربیان می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: یکی از عواملی که پایه‌های اعتماد متربی به مربی را سست می‌کند، تضاد و دوگانگی در رفتار و گفتار مربی است. در چنین شرایطی، متربی سرگردان می‌ماند که قول مربی را بپذیرد و یا عمل او را؟ آیا گفتارش صحیح است یا کردارش؟ و بدین ترتیب اعتماد او از مربی سلب می‌شود. یکی دیگر از آسیب‌های ناشی از این دوگانگی، ایجاد بی‌میلی و حتی نفرت در متربی نسبت به مربی و معلم و علم و عالِم است؛ چنانکه غزالی [۸] در کتاب میزان العمل، یکی از وظایف هشت‌گانه معلم را عمل کردن به علم خود می‌داند و در ادامه می‌گوید: « معلم نباید گفتار خویش را باحالت و رفتار خود تکذیب کند، زیرا در این صورت مردم از هدایت و رشد متنفر می‌شوند». وجود دوگانگی در رفتار و گفتار مربی، گاهی ریا را به متربیان آموزش می‌دهد، بدون اینکه مربی به آن توجه داشته باشد؛ چراکه متربیان‌همان‌گونه که از کلام مربی خود تأثیر می‌گیرند، از رفتار او نیز متأثر می‌شوند. متربی با مشاهده این رفتار، به جواز ریا و نفاق پی می‌برد و به این نکته می‌رسد که می‌توان برای رسیدن به هدف، در ظاهر به‌گونه‌ای و در باطن به‌گونه‌ای دیگر عمل کرد. از سایر آسیب‌های ناشی از این دوگانگی که در روایات آورده شده است می‌توان به آبروریزی و از دست دادن اعتبار مربی بین متربیان و جرئت پیدا کردن بر گناه و دروغ بیشتر و بزرگ‌تر و اموری ازاین‌دست اشاره کرد.

سؤال دوم: وضعیت موجود روش‌های تربیتی در کانون نخبگان سلمان فارسی با چه آسیب‌هایی روبه‌روست؟ نتایج به‌دست‌آمده از پاسخ‌های دانش آموزان در مورد «روش‌های تربیتی» نشان می‌دهد که درصد قابل‌توجهی از فراگیران (۵۹٪) وضعیت روش تربیتی کانون را در مقوله «سرزنش»در طیف «آسیب» ارزیابی نموده‌اند و ۶۴٪ فراگیران مقوله «جدل و مراء» را نیز با آسیب همراه دانسته و پاسخ ۴۰٪ فراگیران در مورد مقوله «تنبیه» در طیف «بدون آسیب» قرارگرفته است.

جدول شماره (۶): وضعیت «روش‌های تربیتی» در کانون نخبگان سلمان فارسی

طیف پاسخ‌ها	مقوله «سرزنش»		مقوله «جدل و مراء»		مقوله «تنبیه»	
	تعداد پاسخ‌ها	درصد	تعداد پاسخ‌ها	درصد	تعداد پاسخ‌ها	درصد
آسیب جدی	۵	٪ ۸	۱۲	٪ ۱۱	۱۰	٪ ۱۲/۵
آسیب	۳۷	٪ ۵۹	۷۰	٪ ۶۴	۲۳	٪ ۲۸/۷۵
آسیب‌زا	۱۲	٪ ۱۹	۱۷	٪ ۱۶	۱۵	٪ ۱۸/۷۵
بدون آسیب	۹	٪ ۱۴	۱۰	٪ ۹	۳۲	٪ ۴۰

ضمن بررسی پاسخ‌های مربیان به ۴ سؤال مقوله «سرزنش»می‌توان درمجموع چنین بیان کرد که مربیان ملامت و سرزنش متربی را یکی از کارآمدترین و درعین‌حال یکی از ساده‌ترین روش‌های تربیتی درزمینه‌ی کنترل متربیان سرکش می‌دانند و این در حالی است که استفاده ازاین‌رو نیازمند مهارت‌های خاص تربیتی است که

هرکسی نمی‌تواند از عهده آن برآید و از طرفی اگر ملامت و سرزنش در رفتار مربی بـر فضـای تربیـت غالـب شـود وارد حوزه آسیب‌زای خود می‌شود که بایستی از آن اجتناب کرد.

در بررسی پاسخ مربیان به گویه‌های مربوط به مقوله «جدل و مراء» باید گفت که رشد قوه تفکر و تحلیـل متربیـان بـه عنوان یکی از اهداف تربیتی کانون قلمداد مـی‌شـود کـه از طریق برگـزاری جلسـات گروهـی و مباحثـه تحـت عنـوان «حلقه‌های رشد» دنبال می‌شود. اما آنچه دراین‌بین مشـهود است گرایش فضای جلسات به سمت کشـمکش و جـدال و مراء است؛ که این مسئله، زمینه بروز بسیاری از آسیب‌هـای جدی را در تربیت دینی متربیان فـراهم مـی‌کنـد. ازجملـه آسیب‌هایی که وجود چنین فضایی به دنبال دارد می‌توان به بیماری و کدورت دل اشاره کـرد. کسـی کـه بـا مـردم بـه جروبحث و مراء می‌پردازد به تعبیر امام صادق علیـه‌السـلام بیمار و مریض است که هیچ مریضی بدتر و پسـت‌تـر از آن برای بشر وجود ندارد. ایشان می‌فرماینـد: «مـراء بـد دردی است و برای انسان خصلتی بدتر از آن نیسـت؛ مـراء خـوی شیطان و پیروان و منتسبان او است»[۹]. از دیگر پیامدهای جروبحـــث در فضـــای تربیتـــی همانندســـازی اســـت. به‌عبارت‌دیگرمتربی ضمن الگوبرداری از مربی، یاد می‌گیـرد که ضمن بالا بردن خـود و بـه سـکوت کشـاندن دیگـران، حرف خود را به کرسی نشانده و دیگران را تحقیر کند. ایجاد عـداوت و دشـمنی یکـی دیگـر از آسـیب‌هـای ناشـی از به‌کارگیری ایـن روش در تربیـت دینـی متربیـان اسـت. در فضای جروبحث، بین طرفین برخوردهایی نامناسـبی شـکل می‌گیرد که منجر به سسـت شـدن رابطـه دوسـتی و حتـی ایجاد تنفر و دشمنی می‌شود. خواه مراء کننده برحق باشد یا نباشد؛ چنانکه در سفارش حضرت امیر علیه‌السلام به کمیل نیز همین نکته تصریح‌شده است: ای کمیل! از مراء بپرهیـز، زیرا اگر این کار را کردی، سفیهان را بر آزار خود واداشتی، و این رفتار دوستی را از بین می‌برد [۹]. از سایر آسـیب‌هـای این روش می‌توان به ازبین رفتن آبروی انسان، ایجاد نفـاق و دورویی، اذیت و آزار دیگران و... اشاره کرد.

ازآنجایی‌که تنبیه به معنای واقف گردانیدن بر چیزی و آگـاه کردن[۱۰]، آمده است، در حوزه تربیتی مـی‌توانـد یکـی از روش‌های مفید و مؤثر قلمداد شود و از طرفی بـا توجـه بـه اقتضای سن متربیان کانون‌هـای فرهنگـی تربیتـی دانـش-آموزی همچون کانون نخبگان سلمان فارسی و بـالا بـودن نسبی خطاهای متربیان در این شرایط سنی آگاهی بخشیدن و تنبیه‌های سبک همچون محرومیت‌های سبک عـاطفی و ... به‌کارگیری این روش، در مسیر تربیـت دینـی و صـحیح متربیان، از سوی مربیان می‌توانـد بـا کـاربرد نسـبتاً زیـادی همراه باشد. برخی مربیان به جهت ارتباط نزدیک با متربیان و با این استدلال که ورود مربی به حوزه تنبیه مـی‌توانـد در ارتباط صمیمی و مداوم مربی با متربی که یکی از ابزارهـای مهم در مسیر تربیت دینی متربی تلقی مـی‌شـود، خدشـه‌ای وارد کند، هرگونه تنبیه در امر تربیت دینـی متربـی را خـود شخصاً به عهده نمی‌گیرند و در صورت نیـاز بـه ایـن روش، این راه را بـه عهـده دیگـران مـثلاً معـاون کـانون واگـذار می‌نمایند و این در حالی است که نه‌تنها در سیره ائمه اطهار علیهم‌السلام گونه‌های بسیار زیادی از به‌کارگیری این روش در جهت تربیت صحیح و آگاهی بخشی بـه اقشـار مختلـف دیده می‌شود بلکه خداوند در قرآن کریم بارهـا مجرمـان را به عاقبت کار خود متنبه کرده است. نمونه‌های بسیار جالـب و زیادی نیز در استفاده از مراحل و قواعد مختلـف تنبیـه در سیره بزرگان دین دیده می‌شودبه‌عنوان‌مثال یکی از مراحـل تنبیه متربی می‌تواند تنبیه با کنایه باشـد و آن‌هـم از سـوی خود مربی، که می‌توانـد اسـباب تنبُـه و تفکـر را در متربـی ایجاد کرده و چه‌بسا که به تغییرات بنیـادی نیـز در تفکـر و رفتار متربی منجر شود. نمونه بسیار جالب این‌گونه روش در سیره امام کاظم علیه‌السلام، جمله کنایه آمیز ایشان به بُشر حافی بود که به تحول اساسی در وی منجر شد[۱۱]. برخی مربیان در امر تربیت متربی خـود بـه مسـئله تهدیـد توجـه نکرده و آن را بسـیار آسـیب‌زامـی‌داننـد و در اسـتفاده از آن پرهیز می‌کنند و این در حالی است که خداوند بارها در قرآن کریم به‌صورت مستقیم و غیرمستقیم افراد را از عاقبت سوء رفتار خویش و مجازات آن مطلع می‌سـازد. آسـیب‌هـایی از قبیل تقبیح شخصیت فرد خطاکار بـه‌جـای نکـوهش عمـل نابهنجار، در نظر نگـرفتن شـرایط متربـی، شـتاب‌زدگـی در تنبیه، افراط در استفاده ازاین‌رو، نگاه مجرمانه به متربی حتی

پس از تنبیه و... ازجمله مسائل نامطلوبی است که می‌تواند در اثر ناآگاهی مربی در استفاده ازاین‌رو تربیتی، برای متربی به دنبال داشته باشد. **سؤال سوم:** وضعیت موجود محتوای آموزشی در کانون نخبگان سلمان فارسی با چه آسیب‌هایی روبه‌روست؟

نتایج به‌دست‌آمده از پاسخ‌های متربیان در مورد «محتوای آموزشی» در سه مقوله «تلقی رسمی بودن و دشواری محتوای آموزشی»، «نظام ارزشیابی ناعادلانه» و «تلقی تفکر منفی نسبت به محتوای آموزشی» مطابق با جدول شماره (۷) بیانگر وجود آسیب در این مقولات است.

جدول شماره (۷): وضعیت «محتوای آموزشی» در کانون نخبگان سلمان فارسی

طیف پاسخ‌ها	« تلقی رسمی بودن و دشواری محتوا»		« نظام ارزشیابی ناعادلانه »		«تلقی تفکر منفی نسبت به محتوا»	
	تعداد پاسخ‌ها	درصد	تعداد پاسخ‌ها	درصد	تعداد پاسخ‌ها	درصد
آسیب جدی	۱۴۸	٪۲۶	۲۳۴	٪ ۳۴	۱۵۲	٪ ۲۷
آسیب	۲۸۳	٪۵۰	۲۶۲	٪ ۳۹	۲۰۳	٪ ۳۶
آسیب‌زا	۵۸	٪۱۰	۴۵	٪ ۷	۶۱	٪ ۱۱
بدون آسیب	۸۱	٪۱۴	۱۳۸	٪ ۲۰	۱۵۰	٪ ۲۷

در مورد ایجاد تلقی رسمی بودن و دشواری محتوای آموزشی که نیمی از متربیان آن را در طیف آسیب معرفی کرده‌اند می‌توان به نکات زیر اشاره کرد: یکی از عوامل مؤثر جهت به ثمر نشستن تلاش‌های مربی در مسیر تربیت دینی متربی، دیدگاه متربی است. درواقع زمانی که کانون برای گرفتن بازخورد و ارزیابی متربیان و یا هر دلیل دیگری، مجبور به پذیرش برخی سازوکارهای رسمی نظام تعلیم و تربیت می‌شود، درچنین شرایطی مخاطبپرداختن به نیازها و ضرورت‌های درونی خود را از دست داده و تلاش خود را در جهت جلب رضایت کانون (انجام تکالیف و کسب امتیاز) معطوف می کند. زمانی که این تلقی در متربی ایجاد شود، او عمدتاً در کلاس‌هابه‌عنوان یک وظیفه مؤسسه‌ای حضور می‌یابد و محتوای آموزشی را حفظ می‌کند. سپس آنچه را که حفظ کرده سر کلاس بازگومی‌کند. لذا این تلقی نسبت به محتوا، با توجه به اهداف عالی تربیت دینی و تقویت پایه‌های اعتقادی متربیان و بعد ارزشی و عملی آن، بزرگ‌ترین مانع استفاده مطلوب از محتوای دینی برای ارزش‌ها، نگرش‌ها و اعمال موافق دین مبین اسلام است. یکی دیگر از عوامل تأثیرگذار و منفی در نگرش و دید متربیان نسبت به محتوای آموزشی، دشواری آن است. به نظر می‌رسد که برخی متربیان به علت ضعف بنیه علمی و شاید پایین بودن توان یادگیری، در جلسات گروهی (حلقه‌های رشد) امتیاز خوبی از مربی کسب نکرده‌اند که همین امر باعث نوعی بدبینی نسبت این محتوای دینی شده است. متربیان در پاسخ به گویه‌های مربوط به «نظام ارزشیابی ناعادلانه» آن را غیرمنصفانه معرفی کرده‌اند (جدول شماره ۷).ازجمله آسیب‌های ناشی از وجود این‌گونه نظام ارزشیابی می‌توان به موارد زیر اشاره کرد: از آنجایی یکی از ابزارهای مهم برای تربیت دینی متربی توسط یک مربی، پذیرش همه‌جانبه مربی از سوی متربی است، یکی از جلوه‌های این پذیرش در برخورد عادلانه و منصفانه مربی به هنگام امتیازدهی به متربی نمود پیدا می‌کند. حال اگر متربی درزمینه‌ی امتیازدهی مربی خود را در موضع عدالت نبیند و حس کند که او ناعادلانه امتیاز می‌دهد، دیگر نبایستی به‌راستی مودت و دوستی و درنهایت تأثیرپذیری متربی از مربی امید داشت. از دیگر اثرات نامطلوبی که برخورد ناعادلانه به هنگام امتیازدهی به متربیان به همراه دارد این است که متربی به‌صورت تلویحی، سوگیری در موضع قضاوت را یاد می‌گیرد. نظام ارزشیابی ناعادلانه یکی از دلایل مهم ایجاد تفکر منفی نسبت به محتوای دینی برنامه‌های کانون نخبگان است. به‌عبارت‌دیگر متربی زمانی که معیارهای ارزیابی مجموعه را با عدالت همراه نداند، این بی‌عدالتی را به سرتاسر فعالیت‌های کانون تعمیم داده و حتی منجر به ایجاد ذهنیت منفی نسبت به محتوای دینی انتخاب‌شده و کارشده توسط مربیان در جلسات گروهی (حلقه‌های رشد) می‌شود. ازجمله آسیب‌های ناشی از «تلقی

تفکر منفی نسبت به محتوای آموزشی» می‌توان بـه مـوارد زیر اشاره کرد: اگر این دید برای متربیان درزمینه‌ی محتوای آموزشی ایجاد شود، در برخی آن‌هـا چنـین تصـوری ایجـاد می‌شود که محتوای دینـی ارائـه‌شـده در حلقـه‌هـای رشـد، چندان ارتباطی بازندگی واقعی ندارد. به‌بیان‌دیگر حتـی اگـر متربی بپذیرد که اگرچه آموزش‌های دینی مباحثی صحیح و منطقی هستند، در عمـل کـاربرد چنـدانی (بـه‌خصـوص در عرصه‌های اجتماعی) ندارند. ذهنیت منفی نسبت به محتوای آموزشی مجموعه نخبگان که اکثراً جنبه دینـی دارد، منجـر به عدم پذیرش و ایجاد تزلزل در باورهای دینی آن‌ها خواهد شد. اگر دریک متربی این تفکر منفی نسبت بـه محتواهـای کلاس‌ها القاشده باشد (کـه مـی‌توانـد ایـن القـا از راه‌هـای مختلف مثلاً فرهنگ حـاکم بـین متربیـان کـانون، صـورت گرفته باشد) صحبت‌های مربی را همواره تکراری و شبیه به هم می‌داند که درنهایت هیچ پذیرشی در او حاصل نمی‌شود.

بحث

پژوهش حاضر باهدف آسیب‌شناسی تربیت دینی دریکـی از کانون‌های فرهنگی تربیتـی دانـش‌آمـوزی بـه ایـن نتیجـه دست‌یافت که وضعیت موجود تربیت دینی در این مجموعـه ازسه منظر «رابطه مربی بامتربی»، «روش‌های آموزشـی»و «محتوای آموزشی»با آسیب‌هایی همراه بوده است.یافته‌های این پژوهش با نتایج مطالعات پریدختان [۱۲]، حسین چاری [۱۳]و قائمی مقـدم [۱۴] در بـاب روش‌هـای آسـیب‌زا در تربیت دینی که به پیامـدهای منفـی برخـی روش‌هـا ماننـد تنبیه و سرزنش پرداخته اند همخوانی دارد.قـائمی مقـدم در کتـاب «روش‌هـای آسـیب‌زا در تربیـت از منظـر تربیـت اسلامی» چنین بیان می‌کند که یکی از مشکلات عمـده در تعلیم و تربیت عـدم آگـاهی درسـت مربیـان از روش‌هـای تربیتـی اسـت؛ تفسـیرهای شخصـی و نادرسـت مربیـان از روش‌ها، کج فهمی برخی مربیان از مفاهیم روشی و مراتبی اجرای روش‌های تربیتی، عـدم شـناخت مناسـب از شـرایط سنی و محیطی متربی، عـدم تسـلط بـر روش‌هـای دینـی تربیتی و... از جمله اموری اسـت کـه در حیطـه روش‌هـای تربیتی، روند تربیت را با کندی و آسیب‌هـای جـدی روبـرو ساخته است. اصرار بسیاری از مربیان بر باورهای غلط خـود در این حوزه، ناخواسته مربیان را به انحراف می کشاند و امر تربیت را با مشکلات فراوانی مواجه می سازد تـا جـایی کـه همانطور که قائمی مقدم می نویسـد، چـه بسـا رهـا کـردن متربیان به حال خود (و تربیت نکردن آنهـا) بهتـر از تربیـت کردن از راه شیوه‌های نادرست باشـد؛ زیـرا در صـورت اول احتمال دارد متربی خود مسیر درستی را در زنـدگی انتخـاب کند، ولی در صورت دوم، روش‌هـا و برخوردهـای نادرسـت مربی، او را در مسیر دیگری قرار می دهد و نتیجـه ای جـز تربیت مسموم ندارد. همچنـین مطالعـات پیشـین بـر وجـود آسیب‌های ناشی از تبعیض در رفتار مربی با متربیان صـحه می‌گذاردنتایج پژوهش حاجی ده‌آبادی[۱۵] نشان مـی‌دهـد که در جان تبعـیض‌هـا، شـاید بـدترین و مهمتـرین آسـیب متوجّه کسانی شود که به هر دلیل از محبت مربـی محـروم شده‌اند زیـرا کـه افـراد هـم از نظـر شخصـیتی در معـرض آسیب‌های جدی قرار می‌گیرند و هم خود، زمینه ساز آسیب به دیگران خواهند شد چراکه احترام به یک شخص و توجّه نکردن به شخص دیگر بدون دلیل نسبت به اطرافیان باعث تحقیر و هتک و عقده روانی آن‌ها شده، آتش کینه را شعله-ور ساخته و سبب حسادت می‌شود. یافته دیگر این پـژوهش در مورد آسیب‌های ناشی از نظام ارزشیابی ناعادلانه ازجملـه تخریب روابط دوستی مربی بـا متربیـان و ایجـاد عـداوت و دشمنی، با حاصل پژوهش اکرمی [۱۶] با موضوع ارائه یک الگوی نظری دربـاره برنامـه درسـی درس بیـنش اسـلامی متوسطه همگراست. نتایج تحقیقات وی نشان می‌دهـد کـه سیستم نمره دهی درس بینش اسلامی، آن را از اهداف خود دور کرده و تا زمانی که نظام ارزشیابی دروس دینـی همـین نظام فعلی باشد روش مناسبی برای تحقق امر تربیت دینـی دانش آموزان نیست.

پیامدهای ناشی از عملکرد کانون در هماهنگی با یافته‌های فرهادی [۱۷] و عباسی [۱۸] از آسیب‌هـایی حکایـت دارد که در پی محتوای رسمی تعلـیم و تربیـت ظهـور مـی‌کنـد. عباسی در پژوهشی با موضوع «آسیب‌شناسی اثـر بازگشـتی نوع ارزشیابی در تربیت دینی» انجام داده است دریافت کـه دانش‌آموزان از همان دوران ابتدایی می‌آموزند کـه هـدف از

تحصیل "دکتر و مهندس شدن" است از این‌رو تمام فعالیت‌های آموزشی با این قطب‌نما تنظیم می‌شود، از این منظر دانش ارزش قدسی خود را از دست داده و صورت رسمی پیدا می‌کند که این موضوع با یافته‌های این پژوهش در مورد تلقی رسمی بودن محتوای آموزشی همخوانی دارد. همچنین یافته‌های پژوهش رضوانی [۱۹] نشان می‌دهد که دید دانش آموزان نسبت به درس دینی با انتظارشان از نظام آموزش به ویژه در مقاطع بالاتر یعنی اخذ مدرک تحصیلی و ورود به مقاطع بالاتر یا بازار کار ارتباط دارد. از این رو به این درس، به عنوان مرحله ای از تحصیل نگریسته می شود. در نهایت به این نتیجه می‌رسد که اصولاً تربیت دینی و اخلاقی با نظام آموزش رسمی تناسب ندارد و پیشنهاد می دهد که امر تربیت دینی به رویکردهای تلفیقی از تصادفی و غیر رسمی واگذار شود.

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر نشان داد که در کنار موفقیت‌ها و اثرات سازنده‌ای که فعالیت‌های کانون نخبگان سلمان فارسی در تربیت دینی متربیان داشته است روش‌ها، محتوا و رابطه-های مربیان با متربیان با آسیب‌هایی همراه بوده است، آسیب‌هایی که جریان تربیتی را به مخاطره انداخته و تحقق اهداف تربیت دینی را با چالش مواجه ساخته است. آسیب-هایی که به‌تفصیل در بخش یافته‌های پژوهش ارائه شد باید توسط مسئولین کانون مورد ارزیابی و ریشه‌یابی قرار بگیرد و برای این منظور پیشنهاد می‌شود که کانون نخبگان سلمان فارسی ضمن تشکیل کمیته نظارت و ارزیابی اقدامات لازم را درخصوص بررسی و شناسایی روش‌های آسیب‌زا در تربیت دینی انجام نموده و اجرای کارگاه‌های آموزشی و دوره‌های ضمن خدمت مربیان برای کاهش چنین آسیب‌هایی برنامه ریزی نماید.

سپاسگزاری

در پایان از مدیرعامل وقت و کلیه مربیان و متربیان کانون که در فرآیند انجام این پژوهش مشارکت نمودند تشکر و قدردانی می‌شود.

ملاحظات اخلاقی

به افراد شرکت‌کننده در پژوهش در مورد محرمانه بودن نتایج پرسشنامه‌ها اطمینان داده‌شده است؛ و این مقاله برگرفته از پایان‌نامه کارشناسی ارشد با کد پروژه ۱۱۱۲۱ می‌باشد.

تضاد منافع

نتایج این پژوهش با منافع هیچ سازمان یا فرد خاصی تعارض ندارد.

منابع مالی

تأمین منابع مالی این پژوهش برعهده هیچ نهاد یا سازمانی نبوده است.

منابع

1. Ebrahim Zade I. Adult Education. Tehran: Payame Noor University; 2004. (persian)
2. Davoodi M. The Payambar's and Ahle-Bayt's Training style. Qom: Research Institute of Hawzeh and University; 2005. (persian)
3. Ehsani M. Religious Education Family. Maarefat Monthly. 2002; (32): 52-67. (persian)
4. Bagheri Kh. A look at Islamic education again. Tehran: Madrase; 2015(1). (persian)
5. ------ A look at Islamic education again. Tehran: Madrase; 2015(2). (Persian)
6. Pour Arshad N.Theoretical Foundations of the Pathology of Religious Education with Emphasis on the Thoughts and Thoughts of the Thinkers and Experts. Summary of the Proceedings of the Religious Pathology Conference in Education. 2001; (2): 110-124. (Persian)
7. Adham N. Religious education in contemporary islamic society. Qom: Imam KhomeiniEducation& Research institute; 2016. (persian)
8. Ghazali M, Kasmaei A.Mizanolama. Tehran: Islamic Republic of Iran Broadcasting; 1999. (persian)
9. Majlesi M. Bahar al-Anwar. Beirut: Dar al-Haya al-Tharath al-Arabi;2010.

10. Dehkhoda A. Dehkhoda Dictionary. Tehran: Tehran University; 1994. (persian)
11. Motahhari M. Education in Islam. Tehran: Sadra; 2012. (persian)
12. Paridokhtan Z. Encouragement and punishment in Islam. International Congress of Religious Culture and Thought. 2017; 3: 177-185. (persian)
13. Hoseinchary M, Falah zade A. Pathology of Islamic education based on the view of Shahid Beheshti. National Conference on Islam and Mental Health. 2018;1: 214-229. (persian)
14. Ghaemi moghadam M. Educational Damaging Methods An Islamic Viewpoin. Qom: Research Institute of Hawzeh and University; 2005. (persian)
15. Haji Dehabadi M. Issues and problems of religious education with emphasis on Islamic texts. Qom: Research Institute of Hawzeh and University; 2001. (persian)
16. Akrami S. peresentation a Theortical model about Secondary Religiou curriculum Tehran: Tarbiat Moalem University; 1994.268p. (persian)
17. Farhadi F. The role of schools in religious education and national identity of students. national conference on the identity of Iranian Islamic children.2017; 1: 47-60. (persian)
18. Absi H, Eskandari H. Pathology Return effect of the type of evaluation on religious education. National Conference on the Philosophy of Religious Education and Moral Education. 2019; 5: 135-152. (persian)
19. Saeedi Razvani. Reflection on the Relevance of the Formal Education System to Religious Education. Tehran. Islamic Education Publication; 2001. (persian)